

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۱۱

۸۷/۱۰۸۴۸۸  
۸۸-۱۶۹



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته روانشناسی عمومی

عنوان:

## مقایسه سبک های فرزند پروری والدین مذهبی و غیر مذهبی

استاد راهنما:

دکتر شهلا پاکدامن

استاد مشاور:

دکتر حمید رضا حسن آبادی

اساتید داور:

دکتر شهریار شهیدی

دکتر زیلا کتیایی

پژوهشگر:

ملیحه ابراهیم زاده پارسایی

سال تحصیلی ۸۸-۸۷

کتابخانه دانشگاه شهید بهشتی  
تهران

۱۳۸۸ / ۱۱ / ۲۳

## تقدیم

به پاس عاطفه سرشار و گرمای امید بخش وجودشان که در این سردترین روزگاران بهترین

پشتیبان است

به پاس قلب‌های بزرگشان که فریادرس است و سرگردانی و ترس در پناهمان به شجاعت

می‌گراید

به پاس محبت‌های بی دریغشان که هرگز فروکش نمی‌کند و از خاطر

نمی‌رود

به پاس صبوری‌شان که ستودنی است

و به پاس تعبیر عظیم و انسانی شان از کلمه ایثار و از خود گذشتگی

این مجموعه را به پدر و مادر عزیزم و خواهرانم که مونس و یاریگر همیشگی من در زندگی و

تصییل بوده اند،

به کوچک شیرین زبانم و همسر پر تلاشم که در روند تصییل من، مرارت‌های فراوان متحمل

شدند تقدیم می‌کنم.

## تقدیر

سپاس و حمد بی‌کران آفریدگار عالم را که به انسان نعمت ارزانی داشت و همه اسباب هستی را در اختیار او گذاشت تا به تعالی و شناخت دست یابد. الهی ما را در راه رسیدن به شناخت بیشتر یاری فرما و به طریقی هدایت کن که رضای تو در آن است.

اینک که نگارش این اثر به پایان رسیده است، بر خود لازم می‌دانم از بزرگوارانی که مرا در انجام این مهم یاری رساندند، تشکر نمایم.

از استاد ارجمند و فرهیخته، سرکار خانم **دکتر شهلا پاکدامن** که با عنایت ارزنده و کمک‌های بی‌دریغ خود راهنمای من در این پژوهش بوده‌اند، بسیار سپاسگزارم. از جناب آقای **دکتر حمیدرضا حسن آبادی** استاد مشاور این اثر نیز کمال تشکر و امتنان را دارم. حسن خلق و حوصله دقیق ایشان را هرگز فراموش نخواهم کرد. از جناب آقای **دکتر شهریار شهیدی** و سرکار خانم **دکتر ژیلا کتیبایی** نیز که زحمت داوری این اثر را پذیرفتند، بسیار متشکرم.

در نهایت از همه عزیزانی که در این پژوهش مرا یاری رساندند بی‌نهایت ممنونم.

## چکیده:

به منظور مقایسه سبک‌های فرزندپروری والدین مذهبی و غیرمذهبی تعداد ۱۵۰ دانش‌آموز پایه سوم دبیرستان از مناطق ۲۲ گانه آموزش و پرورش شهر تهران به شیوه تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. سپس پدران و مادران این گروه منتخب به سه پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی، عمل به باورهای مذهبی (معبد) و سبک‌های فرزندپروری، که از اعتبار و روایی مناسبی برخوردار بودند، پاسخ دادند. مقایسه سبک‌های فرزندپروری والدین با استفاده از آزمون‌های آماری  $t$  وابسته و مستقل در سه مرحله انجام شد: مقایسه جفتی بین پدر و مادر هر خانواده (بدون توجه به وضعیت مذهبی آنها)، مقایسه بین پدران و مادران مذهبی و غیر مذهبی به‌طور جداگانه و مقایسه بین والدین (پدر و مادر با الگوی همخوان مذهبی بودن در یک خانواده) مذهبی و غیرمذهبی.

نتایج نشان داد: بین سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر در یک خانواده تفاوت معناداری وجود ندارد، بین پدران مذهبی و غیرمذهبی در سبک فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه تفاوت معناداری وجود ندارد و تنها در سبک سهل‌گیرانه متفاوتند. بر حسب نتایج، پدران غیرمذهبی نسبت به پدران مذهبی بیشتر از سبک سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند. بین مادران مذهبی و غیرمذهبی در تمامی سبک‌های فرزندپروری تفاوت‌هایی دیده شد. به این ترتیب که، مادران مذهبی بیشتر از سبک مقتدرانه و مادران غیرمذهبی بیشتر از سبک مستبدانه و سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند و در نهایت نتایج نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری والدین مذهبی و غیرمذهبی تفاوت معنادار وجود دارد. والدین مذهبی بیشتر از سبک مقتدرانه بهره می‌جویند و والدین غیرمذهبی بیشتر از سبک سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند.

بر اساس نتایج بالا، به نظر می‌رسد که مذهبی بودن در مادران بیش از پدران در نوع سبک‌های فرزندپروری مورد استفاده آنها نقش دارد. نتایج به دست آمده از این مطالعه با یافته‌های تحقیقات قبلی انجام شده بر روی والدین نوجوانان همسان بود و از نقش مؤثر باورها و عمل مذهبی در فرزندپروری حمایت کرد. محدودیت‌های این مطالعه و پیشنهادهایی برای مطالعه‌های آینده مورد بحث قرار گرفت.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

چکیده

### فصل اول : طرح مسأله

- ۱-۱- بیان مسأله ..... ۲
- ۱-۲- اهمیت مسأله ..... ۹
- ۱-۳- هدف‌های پژوهش ..... ۱۰
- ۱-۴- سؤال‌های پژوهش ..... ۱۱
- ۱-۵- تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش ..... ۱۱
- ۱-۵-۱- متغیر پیش بین: مذهبی بودن والدین ..... ۱۱
- ۱-۵-۱-۱- تعریف مفهومی مذهبی بودن والدین ..... ۱۱
- ۱-۵-۱-۲- تعریف عملیاتی مذهبی بودن والدین ..... ۱۲
- الف- باورهای مذهبی ..... ۱۲
- ب- عمل به باورهای مذهبی ..... ۱۴
- ۱-۵-۲- متغیر ملاک: سبک‌های فرزند پروری ..... ۱۵
- ۱-۵-۲-۱- تعریف مفهومی سبک‌های فرزندپروری ..... ۱۵
- ۱-۵-۲-۲- تعریف عملیاتی سبک‌های فرزندپروری ..... ۱۶
- ۱-۵-۳- متغیر کنترل ..... ۱۷

### فصل دوم : پیشینه پژوهش

- ۲-۲- پیشینه نظری پژوهش ..... ۱۹
- ۲-۱-۱- سبک‌های فرزندپروری ..... ۱۹
- ۲-۱-۱-۱- مروری بر تاریخچه ارتباط والدین و فرزندان ..... ۱۹
- ۲-۱-۱-۲- تغییرات تاریخی در مفهوم سبک فرزندپروری ..... ۲۱
- ۲-۱-۱-۳- ابعاد شیوه‌های فرزندپروری ..... ۲۲
- الف- بعد گرم بودن والدین ..... ۲۳
- ب- بعد کنترل ..... ۲۴
- ۲-۱-۱-۴- طبقه بندی الگوهای تربیتی برای فرزندان ..... ۲۶

- الف- منشأ دیدگاه‌های نظری در مورد سبک‌های فرزندپروری ..... ۲۷
- ب- نظریه آدلر ..... ۲۸
- ج- نظریه اریکسون ..... ۲۹
- د- نظریه بامریند ..... ۳۰
- الف) والدین مقتدر ..... ۳۱
- ب) والدین مستبد ..... ۳۵
- ج) والدین سهل‌گیر ..... ۳۸
- د) نقد و بررسی نظریه بامریند ..... ۴۴
- ه- الگوی شیفر ..... ۴۷
- و- الگوی زیگلن ..... ۴۹
- ز- الگوی وینتر باتوم ..... ۵۰
- ح- نگرش‌های فرزندپروری ..... ۵۱
- ط- اقتدار و نفوذ والدین در خانواده و فواید آن ..... ۵۱
- ۱-۱-۱-۵- عوامل مؤثر بر سبک فرزندپروری ..... ۵۵
- ۱-۱-۲-۶- پرسشنامه‌های فرزندپروری موجود در پژوهش‌ها ..... ۵۷
- ۱-۲-۲- دین، مذهب و معنویت ..... ۵۸
- ۱-۲-۱-۲- تعریف دین ..... ۵۸
- الف- تعریف لغوی واژه دین ..... ۵۸
- ب- تعریف مفهومی دین ..... ۵۹
- الف) مذهب و معنویت ..... ۶۰
- ب) دین از نظر علمای اسلام ..... ۶۱
- ج) جمع‌بندی تعریف مفهومی دین ..... ۶۲
- ۱-۲-۲- ادیان ..... ۶۲
- اسلام ..... ۶۳
- ۱-۲-۳- رابطه روان‌شناسی و مذهب ..... ۶۴
- الف- رویکرد روان‌شناختی به مذهب ..... ۶۴
- ب- رویکرد روان‌تحلیل‌گری به مذهب ..... ۶۶
- ج- رویکرد نظریه‌دل‌بستگی به مذهب ..... ۶۸
- د- رویکرد رفتاری به مذهب ..... ۷۰
- ه- رویکرد یادگیری اجتماعی به مذهب ..... ۷۱
- و- رویکرد شناختی به مذهب ..... ۷۲

- ز- رویکرد فلسفی به مذهب ..... ۷۴
- ح- رویکرد جامعه شناختی به مذهب ..... ۷۵
- ۲-۱-۲-۴- جهت گیری مذهبی ..... ۷۶
- الف- الگوهای مذهبی از دیدگاه آلپورت ..... ۷۶
- ب- الگوهای مذهبی از دیدگاه فرانکل ..... ۷۸
- ج- فرهنگ و جهت گیری مذهبی ..... ۷۸
- ۲-۱-۲-۵- عمل و باور مذهبی ..... ۸۰
- ۲-۱-۲-۶- پرسشنامه‌های مذهبی موجود در پژوهش‌ها ..... ۸۲
- الف- دشواری‌های تهیه مقیاس مذهبی ..... ۸۳
- ب- مبانی نظری پرسشنامه جهت گیری مذهبی (بهرامی احسان، ۱۳۸۱) ..... ۸۴
- ۲-۱-۲-۷- جنس و مذهب ..... ۸۷
- ۲-۲- پیشینه تجربی پژوهش ..... ۸۷
- ۲-۲-۱- پژوهش‌های فرزندپروری ..... ۸۸
- ۲-۱-۲-۱- پژوهش‌های فرزندپروری در ایران ..... ۹۰
- ۲-۱-۲-۲- پژوهش‌های فرزند پروری در خارج از ایران ..... ۹۴
- ۲-۲-۲- پژوهش‌های مذهبی ..... ۹۳
- ۲-۲-۲-۱- پژوهش‌های مذهبی در ایران ..... ۹۳
- ۲-۲-۲-۲- پژوهش‌های مذهبی در خارج از ایران ..... ۹۴
- ۲-۲-۳- پژوهش‌های فرزند پروری و مذهب ..... ۹۷
- ۲-۳-۲-۱- پژوهش‌های فرزند پروری و مذهب در ایران ..... ۹۷
- ۲-۳-۲-۲- پژوهش‌های فرزند پروری و مذهب در خارج از ایران ..... ۹۸
- ۲-۳-۲-۳- چارچوب مفهومی و جمع بندی ..... ۱۰۰

### فصل سوم: روش شناسی پژوهش

- ۳-۱- طرح پژوهش ..... ۱۰۳
- ۳-۲- جامعه آماری، روش نمونه گیری و نمونه آماری ..... ۱۰۳
- ۳-۳- ابزار گرد آوری داده ها ..... ۱۰۴
- ۳-۳-۱- پرسشنامه سنجش شیوه‌های فرزندپروری ..... ۱۰۴
- ۳-۳-۲- پرسشنامه جهت گیری مذهبی ..... ۱۰۶
- ۳-۳-۳- پرسشنامه معبد ..... ۱۰۹
- ۳-۳-۴- پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت شناختی ..... ۱۱۰



- ۱۱۰..... ۳-۴- شيوه گرد آوری داده ها
- ۱۱۱..... ۳-۵- شيوه تحليل داده ها

### فصل چهارم : یافته ها

- ۱۱۳..... ۴-۱- روند تحليل متغيرها
- ۱۱۴..... ۴-۱- تحليل اکتشافی داده ها
- ۱۱۸..... ۴-۲- تحليل تأییدی داده ها
- ۱۲۷..... ۴-۳- جمع بندی یافته‌های پژوهش

### فصل پنجم : بحث و نتیجه گیری

- ۱۲۹..... ۵-۱- تبیین نتایج
- ۱۳۳..... • جمع بندی
- ۱۳۹..... ۵-۲- محدودیت‌ها
- ۱۴۰..... ۵-۳- پیشنهادها

### فهرست منابع

- ۱۴۲..... فهرست منابع فارسی
- ۱۴۹..... فهرست منابع انگلیسی
- ۱۵۵..... پیوست ها
- چکیده انگلیسی

## فهرست پیوست ها

- ۱۵۸..... پرسشنامه سنجش شیوه‌های فرزندپروری
- ۱۶۰..... پرسشنامه جهت‌گیری نسبت به خود، دیگران و جهان هستی
- ۱۶۳..... پرسشنامه معبد
- ۱۶۵..... پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت شناختی

## فهرست جدول ها

عنوان	صفحه
جدول ۱-۱: الگوهای متفاوت وضعیت مذهبی.....	۱۵
جدول ۱-۳: اعتبار و روایی سبک‌های فرزندپروری بامریند (بورای).....	۱۰۵
جدول ۲-۳: ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری پژوهش حاضر.....	۱۰۶
جدول ۳-۳: ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای ۴ عامل پرسشنامه جهت گیری مذهبی در پژوهش حاضر و پژوهش‌های گذشته.....	۱۰۸
جدول ۴-۳: ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه معبد در پژوهش حاضر و گذشته.....	۱۰۹
جدول ۱-۴: الگوهای متفاوت وضعیت مذهبی.....	۱۱۴
جدول ۲-۴: فراوانی و درصد فراوانی جنس، تحصیلات و شغل شرکت کننده‌ها.....	۱۱۵
جدول ۳-۴: آماره‌های توصیفی سبک‌های فرزندپروری پدران و مادران.....	۱۱۶
جدول ۴-۴: آماره‌های توصیفی سبک‌های فرزندپروری در پدران بر اساس وضعیت مذهبی.....	۱۱۷
جدول ۵-۴: آماره‌های توصیفی سبک‌های فرزندپروری مادران بر اساس وضعیت مذهبی.....	۱۱۷
جدول ۶-۴: آماره‌های توصیفی سبک‌های فرزندپروری والدین بر اساس وضعیت مذهبی.....	۱۱۸
جدول ۷-۴: همبستگی درون مقیاسی جهت گیری مذهبی و عمل به باورهای دینی (معبد)، سبک‌های فرزندپروری و همبستگی سبک‌های فرزندپروری با جهت گیری مذهبی و عمل به باورهای دینی در پدران.....	۱۲۰
جدول ۸-۴: همبستگی درون مقیاسی جهت‌گیری مذهبی و عمل به باورهای دینی ، سبک‌های فرزندپروری و همبستگی سبک‌های فرزندپروری با جهت گیری مذهبی و عمل به باورهای دینی در مادران.....	۱۲۲
جدول ۹-۴: همبستگی میان سبک‌های فرزندپروری پدران و مادران.....	۱۲۳
جدول ۱۰-۴: بررسی تفاوت میانگین سبک‌های فرزندپروری در پدران و مادران.....	۱۲۳
جدول ۱۱-۴: آزمون برابری میانگین (آزمون t) سبک‌های فرزندپروری پدران در دو گروه مذهبی و غیرمذهبی.....	۱۲۴
جدول ۱۲-۴: آزمون برابری میانگین (آزمون t) سبک‌های فرزندپروری مادران در دو گروه مذهبی و غیرمذهبی.....	۱۲۵
جدول ۱۳-۴: آزمون برابری میانگین (آزمون t) سبک‌های فرزندپروری والدین (پدر و مادر از یک خانواده با الگوی مذهبی همخوان ) در دو گروه مذهبی و غیرمذهبی.....	۱۲۶

## فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۴۸	نمودار ۱-۲- ابعاد شیوه فرزند پروری شیفر(اقتباس از ماسن، ۱۳۸۳).....
۸۱	نمودار ۲-۲- اجزای نگرش.....
۸۱	نمودار ۲-۳- مؤلفه‌های دین داری.....
۸۴	نمودار ۲-۴- رابطه انسان با جهان هستی با محوریت رابطه انسان با خدا.....

# فصل اول

طرح مسأله

## ۱-۱- بیان مسأله

همه والدین از اینکه فرزندان‌شان باید چگونه بوده و دارای چه آگاهی‌هایی باشند و کدام ارزش‌های اخلاقی و معیارهای رفتاری را باید در فرایند تحول بیاموزند، آشکارا و یا تلویحاً تصویری آرمانی دارند؛ اما رفتار والدین با فرزندان‌شان متفاوت است، بدین معنی که رفتارهای والدین ابعادی گسترده و پیچیده دارد. آنها ممکن است فرزندان خود را دوست بدانند، آنها را از خود دور سازند و یا در عین اینکه آنها را دوست می‌دارند در انضباط نیز سخت‌گیری کنند. به همین ترتیب آنها برای سوق دادن کودکان خود به سوی اهداف خود، راهبردهای بسیاری را می‌آزمایند. کودک را تنبیه یا تشویق می‌کنند، همسالان و دوستانی برای کودک خود برمی‌گزینند که با این ارزش‌ها و اهداف هماهنگی داشته باشند (ماسن<sup>۱</sup>، کیگان<sup>۲</sup>، هوستون<sup>۳</sup> و کانجر<sup>۴</sup>، ۱۳۸۰). این رفتارهای متنوع، بهنجار و طبیعی که والدین به منظور کنترل و اجتماعی کردن کودکان خود به کار می‌برند شیوه‌های فرزندپروری<sup>۵</sup> را تشکیل می‌دهند (بامریند<sup>۶</sup>، ۱۹۹۱) که نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شخصیت، رفتار آتی فرزندان و تفاوت‌های فردی آنها دارد (دارلینگ<sup>۷</sup> و استنبرگ<sup>۸</sup>، ۱۹۹۳).

شیوه‌های فرزندپروری یک سازه چندبعدی است که از رفتارهای قاطعانه تا دیکتاتورانه والدین با فرزندان را در بر می‌گیرد. الگوهای متنوعی در خصوص توصیف رفتارهای متنوع والدین با فرزندان وجود دارد، اما مشهورترین الگو در این زمینه نظریه سه سبکی دیانا بامریند است. طبق نظر بامریند (۱۹۹۱) والدین در شیوه‌های فرزندپروری خود از سه الگوی مقتدرانه، مستبدانه یا سهل‌گیرانه پیروی می‌کنند. از نظر وی شیوه مقتدرانه الگویی است که در آن والدین مقتدر، قاطع و اطمینان‌بخش عمل می‌کنند. این والدین در روابطشان با کودکان، صمیمی هستند و مکرراً برای راهنمایی و هدایت رفتار آنها تقویت مثبت به کار می‌برند، ولی در عین حال آنها را کنترل می‌کنند و برای استقلال کودکان خود احترام قایلند. شیوه مستبدانه الگویی است که در آن والدین با فرزندان خود کمتر گرم و با محبت هستند، آنها را بسیار کنترل کرده و تشویق به مخالفت با قواعد و تصمیمات خود نمی‌کنند. در صورت مخالفت فرزندان در برابر دستورهای والدین متوسل به زور و تنبیه خواهند شد. شیوه سهل‌گیرانه الگویی است که در آن والدین، فرزندان خود را کنترل نمی‌کنند و از آنان توقعی ندارند. در تنبیه کردن و پاداش دادن به فرزندان خود چندان جدی نیستند. به آنها آموزش استقلال و به خود متکی بودن را نمی‌دهند، ولی در عین حال گرم هستند. (ماسن و همکاران، ۱۳۸۰).

شیوه‌های برخورد والدین با فرزندان و روش‌های انضباطی آنان بی‌تردید تحت تأثیر خصوصیات

1. Mussen, P. H.

2. Kagan, J.

3. Hoston, A. C.

4. Conger, J. J.

5. parenting styles

6. Baumrind, D.

7. Darling, N.

8. Steinberg, L.

شخصیتی و سیستم اعتقادی آنان است (ماسن و همکاران، ۱۳۸۰) و از آنجا که مذهبی بودن<sup>۱</sup> یک نظام عملی مبتنی بر اعتقادات -در قلمرو فردی و اجتماعی- است (آرین، ۱۳۷۸)، بنابراین می‌توان گفت یکی از عوامل مؤثر در شیوه‌های فرزندپروری هم به حساب می‌آید (آلتیمر<sup>۲</sup> و هانزبرگر<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲). تأثیر مذهب در فرزندپروری شناخته‌شده است، زیرا اخیراً در مسایلی همچون تربیت، مشاوره‌های روان‌شناختی و روان‌درمانی‌های خانواده اهمیت فراوانی پیدا کرده است (پونزتی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). اسنایدر<sup>۵</sup> کلمنت<sup>۶</sup> و وازسونی<sup>۷</sup>، (۲۰۰۴) معتقدند با توجه به این که شیوه‌های فرزند پروری با مذهبی بودن والدین رابطه دارد، بهتر است درمانگران به مذهبی بودن مراجعان (والدین) نیز توجه کنند. گورساج<sup>۸</sup>، (۱۹۸۸) نیز تأکید می‌کند که آگاهی دربارهٔ مذهب به اندازهٔ سایر ویژگی‌های روان‌شناختی افراد ارزشمند است و نیازی نیست که اهمیت مذهب را در زندگی افراد نشان دهیم.

مذهبی بودن را می‌توان به دو بعد کلی طبقه‌بندی کرد (هاج<sup>۹</sup> و یاهیا<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۸؛ به نقل از امیری، ۱۳۸۴). یکی از آنها مربوط به عمق تجارب مذهبی می‌شود، در یک انتهای پیوستار این بعد، پژوهشگران از دیدی سطحی نگرانه، وابستگی‌های مذهبی یک یا برخی از اعضای خانواده یا مشارکت‌ها و عبادت‌های فردی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و انتهای دیگر پیوستار نیز جنبه عمیق‌تر و اصلی آن را نشان می‌دهد که در آن درونی شدن مذهب، تاثیر متقابل اعمال مذهبی مشترک مثل عبادت‌های دسته جمعی، داشتن احساس مشترکی از تقدس در روابط خانوادگی و ابراز مذهب در بازخوردها و رفتارهای روزانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. معمولاً جنبه‌های سطحی‌تر مذهب به‌طور گسترده‌ای به خصوص در زمینه یابی‌های مآلی مورد تحقیق قرار می‌گیرد، در حالی که جنبه‌های اصلی‌تر آن کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است.

پیوستار دوم، مربوط به کیفیت تجارب مذهبی از منفی (ترسناک، انعطاف ناپذیر، آزار دهنده، خشن، القا کننده گناه و مردسالارانه دانستن مذهب) (هاج و یاهیا، ۱۹۹۸؛ به نقل از امیری، ۱۳۸۴) تا مثبت ارزیابی کردن آن (دوست داشتنی، غیر خشن و مساوات طلب بودن مذهب) (راحیم<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۰؛ به نقل از امیری، ۱۳۸۴) است. در حقیقت، ابتدا مذهب را به‌عنوان یک عامل ضد بهداشتی معرفی می‌کردند، در حالی که فقط مذهب بیرونی شده است که با جنبه‌های ناسالم زندگی ارتباط دارد ولی مذهب درونی شده و اعتقادات قلبی و واقعی به‌طور مؤثر و مثبتی بر بهداشت روان اثر می‌گذارد

1. religiosity  
2. Altemeyer, B.  
3. Hansberger, B.  
4. Ponzetti, J. J.  
5. Snider, J. B.  
6. Clements, A.  
7. Vazsonyi, A.-T.  
8. Gorsuch, R. L.  
9. Haj, N. S.  
10. Yahia, R.  
11. Rahim, D.

(هس<sup>۱</sup>، پارگامنت<sup>۲</sup> و ماتن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲). همچنین در نگاه اول به دین‌داری و مذهبی بودن، دو مؤلفه در آن مهم می‌نماید: **باورهای مذهبی<sup>۴</sup> و اعمال و رفتارهای مذهبی**. همان‌گونه که بدون باورهای مذهبی نمی‌توان کسی را دین‌دار نامید، بدون رفتارهای مذهبی نیز، دین‌داری تحقق نمی‌پذیرد (موسوی اصل، ۱۳۸۷). بر این اساس در پژوهش حاضر هر دو بعد مد نظر قرار گرفت.

تحقیقات تجربی با این دیدگاه همسان هستند که اهداف و اعمال تربیتی والدین می‌تواند از طریق آموزه‌هایی که از مذاهبشان دریافت می‌کنند، تحت تاثیر قرار گیرد، چنان‌که استبدادگرایی والدین با عقاید مذهبی آنها مرتبط می‌باشد (آلتیمر و هانزبرگر، ۱۹۹۲). همچنین تحقیقات معاصر در زمینه تأثیر اصول دین مسیحیت بر شیوه‌های فرزند پروری والدین بر این نکته تأکید دارند که کتاب مقدس خواستار اطاعت محض کودکان از والدین خود می‌باشد (دابسون<sup>۵</sup>، ۱۹۷۶ و میر<sup>۶</sup>، ۱۹۷۷). در تحقیق دیگری ویه<sup>۷</sup> (۱۹۹۰) نشان داد که والدین مسیحی که خود را مذهبی می‌پنداشتند، در تربیت کودک خود بیشتر از شیوه مستبدانه<sup>۸</sup> استفاده می‌کردند. گراسمیک<sup>۹</sup>، مورگان<sup>۱۰</sup> و کندی<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۲) نیز به این نتیجه رسیدند که افراد بسیار مذهبی در مقایسه با افراد کمتر مذهبی، بیشتر سبک تربیتی مستبدانه را به کار می‌گیرند. بر طبق یک بررسی افرادی که معتقد به اصول دین مسیحیت می‌باشند، بیشتر خواهان اطاعت مطلق کودک از والدین خود می‌باشند. همچنین این افراد کمترین میزان خود مختاری را برای کودکان خود قایل هستند و استفاده از تنبیه بدنی را روش مناسبی برای تربیت کودکان می‌دانند (دانسو<sup>۱۲</sup>، هانز برگر و پرات<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۰). در همین راستا الیسون<sup>۱۴</sup> و شرکات<sup>۱۵</sup> (۱۹۹۳) نشان دادند که پروتستانی‌های افراطی در مقایسه با افراد کمتر مذهبی، بیشتر معتقد بودند که کودکان بایستی مطیع و فرمانبردار والدینشان باشند.

تحقیقاتی که ارتباط بین مذهبی بودن و فرزندپروری را بررسی کرده‌اند به‌طور نوعی بر والدین کودکان **نوباوه** و داده‌های فرزندپروری محدودی از قبیل تنبیه بدنی<sup>۱۶</sup> متمرکز بوده‌اند (الیسون، بارتکاسک<sup>۱۷</sup>، و سگال<sup>۱۸</sup>، ۱۹۹۶؛ الیسون و شرکات، ۱۹۹۳؛ به نقل از اسنایدر<sup>۱۹</sup> و همکاران، ۲۰۰۴). در این زمینه باید گفت یافته‌های حاصل از بررسی والدین کودکان نوباوه، همسو نیستند؛ برخی از آنها مذهبی بودن را با رفتارهای فرزندپروری منفی مثل تنبیه بدنی (الیسون و همکاران، ۱۹۹۶؛ الیسون و

<sup>1</sup> . Hess, R.

<sup>3</sup> . Maton, K. I.

<sup>5</sup> . Dobson, J.

<sup>7</sup> . Wiehe, V. R.

<sup>9</sup> . Grasmick, H. G.

<sup>11</sup> . Kennedy, M. B.

<sup>13</sup> . Pratt, M.

<sup>15</sup> . Sherkat, D. E.

<sup>17</sup> . Bartkowski, J. P.

<sup>19</sup> . Snider, J. B.

<sup>2</sup> . Pargament, K. I.

<sup>4</sup> . religious beliefs

<sup>6</sup> . Meier, P. D.

<sup>8</sup> . authoritarian

<sup>10</sup> . Morgan, C. S.

<sup>12</sup> . Danso, H.

<sup>14</sup> . Ellison, C. G.

<sup>16</sup> . spanking

<sup>18</sup> . Segal, M. L.



شرکات، ۱۹۹۳؛ به نقل اسنایدر و همکاران، ۲۰۰۴) و بقیه آن را با رفتار فرزندپروری مثبت مثل درآغوش گرفتن<sup>۱</sup>، ستایش کردن<sup>۲</sup> (ویلکاکس<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸) یا فرزندپروری سازگارتر و باثبات‌تر مرتبط می‌دانند (برودی<sup>۴</sup>، استونمن<sup>۵</sup>، فلور<sup>۶</sup> و مک‌کری<sup>۷</sup>؛ ۱۹۹۴). ناهمسو بودن این یافته‌ها به این علت است که نتایج این تحقیقات، که روی پروتستانی‌ها اجرا شده، به این بستگی دارد که رهبران دینی و فرهنگ حاکم بر آن گروه نمونه چه روی آوردی را در پرورش کودک توصیه کرده باشند: مستبدانه یا مقتدرانه (ویلکاکس، ۱۹۹۸).

در مقابل، مطالعاتی که رابطه بین مذهبی بودن و فرزندپروری والدین **نوجوانان** را بررسی کرده‌اند به‌طور همسان نشان داده‌اند که مذهبی بودن با رفتارهای فرزندپروری مثبت و درجات عالی رابطه نوجوان - والدین مثل گرمی بیشتر، مرتبط است (گانو<sup>۸</sup>، هترینگتون<sup>۹</sup> و رایس<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۹؛ پیرس<sup>۱۱</sup> و آکسین<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۸). این مطالعات نشان داده‌اند که در میان والدینی که فرزندان نوجوان دارند؛ مذهبی بودن والدین با رفتارهای فرزندپروری مثبت مرتبط است. برای نمونه در ابتدا پیرس و آکسین (۱۹۹۸) مذهب را با روابط مثبت مادر - فرزند مرتبط یافتند که این ارتباط با استفاده از مقیاس تک بعدی فرزندپروری و بر پایه گزارش‌های هر دوی فرزند و مادر مشاهده شد. به‌طور مشابه، گانو و همکاران (۱۹۹۹) در نمونه ۴۹۶ نفری از فرزندان که در اواسط نوجوانی قرار داشتند با استفاده از مقیاس فرزندپروری که بر اساس دو بعد پذیرش<sup>۱۳</sup> و نظارت<sup>۱۴</sup> ساخته شده بود، هم برای مادران و هم پدران مذهبی بودن والدین را پیش‌بینی کننده فرزندپروری مقتدرانه<sup>۱۵</sup> یافتند که به نوبه خود سازگاری بهتر نوجوان را به دنبال دارد.

بر خلاف پژوهش‌های گانو و همکاران، (۱۹۹۹) و پیرس و آکسین، (۱۹۹۸) که به شیوه فرزندپروری مرسوم (مفهوم سازی تک بعدی و دو بعدی رفتارهای فرزندپروری) توجه داشتند، در پژوهشی که اسنایدر و همکاران، (۲۰۰۴) انجام دادند روابط بین گزارشات نوجوانان از مذهبی بودن (عمل مذهبی<sup>۱۶</sup>) والدین و فرایندهای فرزندپروری از طریق مفهوم سازی ابعادی<sup>۱۷</sup> فرزندپروری (یعنی، رفتارهای دقیق، کامل و همه جانبه فرزندپروری) بررسی شد. نتایج این مطالعه که

<sup>۱</sup> . hugging

<sup>۲</sup> . praising

<sup>۳</sup> . Wilcox, W. B.

<sup>۴</sup> . Brody, G. H.

<sup>۵</sup> . Stoneman, Z.

<sup>۶</sup> . Flor, D.

<sup>۷</sup> . Mccrary, C.

<sup>۸</sup> . Gunnoe, M. L.

<sup>۹</sup> . Hetherington, E. M.

<sup>۱۰</sup> . Reiss, D.

<sup>۱۱</sup> . Pearce, L. D.

<sup>۱۲</sup> . Axinn, W. G.

<sup>۱۳</sup> . acceptance

<sup>۱۴</sup> . supervision

<sup>۱۵</sup> . authoritative

<sup>۱۶</sup> . توجه و حضور در مراسم مذهبی در کلیسا، حالات مذهبی در کلیسا، درگیری در مراسم مذهبی کلیسا، فراوانی خواندن کتاب‌های مذهبی و روحانی، نماز خواندن.

<sup>۱۷</sup> . dimensional conceptualization

۶ بعد از فرزندپروری را در نظر گرفته بود، نشان داد والدینی که به وسیله نوجوانان خود، مذهبی تر درک شوند با احتمال بیشتری نیز با فرایندهای فرزندپروری مؤثرتر درک می‌شوند. اهمیت مفهوم-سازی ابعادی از فرزندپروری در این است که محققان را قادر می‌سازد به بررسی دقیق‌تر روابط بین مذهبی بودن والدین و فرایندهای فرزندپروری بپردازند (هولدن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱) این مسأله در مورد بررسی دقیق و جامع پیرامون متغیر مذهبی بودن نیز صادق است، درحالی که پژوهش‌های موجود از جامعیت لازم در این زمینه برخوردار نیستند. به این صورت که برخی تنها به رابطه باورهای مذهبی و فرزندپروری و برخی دیگر تنها به رابطه فعالیت‌های مذهبی و فرزندپروری پرداخته‌اند و همچنین مؤلفه‌های اندکی را مورد بررسی قرار داده‌اند.

در پژوهش‌های داخلی هم مطالعاتی انجام شده که در آنها گزارشاتی مختصر به صورت نتایج جانبی تحقیق در زمینه موضوع پژوهش حاضر ارائه شده است. برای مثال، سوری (۱۳۷۶) به بررسی رابطه گرایش مذهبی<sup>۲</sup> (اسلامی) و روش تربیتی مادر با خود پنداره دختران<sup>۳</sup> نوجوانان، پرداخته که بین مذهبی بودن مادر و روش تربیتی او رابطه معنی داری مشاهده نشده است. نتایج پژوهش کریمی، (۱۳۸۰) نیز تحت عنوان بررسی رابطه نگرش مذهبی و شیوه‌های فرزندپروری والدین با نگرش مذهبی دختران<sup>۴</sup> نوجوان آنها، بیانگر همبستگی مثبت بین نگرش مذهبی مادران و بعد اقتدار منطقی آنان بود این نتیجه در مورد پدران نیز صادق بود و همچنین بین نگرش مذهبی پدر و بعد رهاسازی همبستگی منفی معنادار مشاهده شد. در این مطالعه پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی خدایاری فرد (۱۳۷۸) که جهت سنجش مذهبی دانش‌آموزان طراحی شده بود، بر روی والدین نیز اجرا شد بنابراین نتایج آن چندان قابل اعتماد نیستند.

در ادبیات پژوهشی مرتبط با اهمیت مذهب والدین در تعاملات خانواده، کمبودهایی وجود دارد (پارک<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱)؛ و بخصوص در مورد رابطه مذهبی بودن والدین و فرزندپروری مؤثر مطالعات بسیار کمی وجود دارد (اسنایدر و همکاران، ۲۰۰۴). افزون بر این شناسایی فرایندی که از طریق آن مذهبی بودن والدین منجر به فرزندپروری بهتر آنها می‌شود دشوار است. به عبارت دیگر، در ادبیاتی که ارتباط بین مذهبی بودن والدین و رفتارهای فرزندپروری را توضیح می‌دهد، فرایند تعریف شده واضحی وجود ندارد (اسنایدر و همکاران، ۲۰۰۴).

<sup>۱</sup> . Holden, G. W.

<sup>۲</sup> قابل ذکر است که در این تحقیق پرسشنامه مذهبی بودن مادر که فاطمه سعیدی (۱۳۷۴) ساخته است، استفاده شده است که ویژگی‌های روان‌سنجی آن مورد بررسی قرار نگرفته است و سؤال‌های آن از اعتبار کافی برخوردار نیست.

<sup>۳</sup> سوم دبیرستان

<sup>۴</sup> دوم دبیرستان

<sup>۵</sup> . Park, R. D.

ماهونی<sup>۱</sup> و همکاران، (۲۰۰۱) تعدادی از این فرایندها را عنوان کرده‌اند. «تقدیس و تطهیر»<sup>۲</sup> از جمله این فرایندهاست. از نظر آنها تقدیس یک فرایند روان شناختی است که به‌وسیله آن، افراد جنبه‌های مختلف زندگی را روحانی<sup>۳</sup> و معنادار<sup>۴</sup> درک می‌کنند. مطابق این دیدگاه، افراد از طریق مشارکت در روابط خانواده (شامل روابط کودک - والدین) خدا را حس می‌کنند و با روحانیت و معنویت‌شان را افزایش می‌دهند. از نظر این محققان اگر والدین در روابط با کودکشان روحانیت و خلوص (طهارت) را در نظر داشته باشند فعالیت‌های فرزندپروری مثبتی از قبیل پرخاشگری کلامی اندک و تعاملات مثبت فراوان نشان می‌دهند. همچنین تحقیقات نشان داده‌اند هر چه تقدس بخشی والدین به روابط فرزند - مادر بیشتر باشد، پرخاشگری کلامی نسبت به فرزندشان کاهش می‌یابد و اثرات مذهبی بودن افراطی کنترل شود (ماهونی و همکاران، ۲۰۰۳)، به عبارت دیگر تقدیس بیشتر در روابط فرزند - والد از سوی والدین، با فرزندپروری بهتر مرتبط می‌شود. فرایند تقدیس با بعد باورهای مذهبی<sup>۵</sup> در پژوهش حاضر مرتبط می‌باشد.

ماهونی و همکاران، (۲۰۰۱) مکانیسم‌های بالقوه دیگری را مطرح کرده‌اند که با دو ساختار فرزندپروری و مذهبی بودن والدین مرتبط‌اند. برای مثال آنها فعالیت‌های مذهبی<sup>۶</sup> ای پیشنهاد کرده‌اند که کارکردهای بهتر در خانواده را تسهیل می‌کنند از جمله «عادت به ستایش کردن خانوادگی، گرایش به خدمات مذهبی که والدین به‌طور منظم در مناسبت‌ها نشان می‌دهند، و همچنین امیدها و اهداف مشترکی که والدین با فرزندانشان در موقعیت‌های تحمیلی و دشوار دارند». ماهونی و همکاران، (۲۰۰۱) مسائل جنبی مذهب را مطرح کرده‌اند که ممکن است فرزندپروری را بهبود بخشند. به‌طور خاص از نظر این محققان ممکن است فعالیت‌های مذهبی، تعارض فرزند- والد را کاهش دهد، زیرا شبکه اجتماعی والدین شامل خانواده‌هایی می‌شود که سیستم‌های ارزشی مشابه دارند، در همین راستا، ماهونی و همکارانش، (۲۰۰۱) پژوهشی را سازمان دادند که در آن فعالیت‌های مذهبی والدین به‌صورت بالقوه رفتارهای فرزندپروری را بهبود داد. فعالیت‌های مذهبی مذکور با بعد عمل به باورهای مذهبی در پژوهش حاضر مرتبط است.

در این مسیر پژوهشگرانی که تاب‌آوری<sup>۷</sup> خانواده را مطالعه کرده‌اند معنویت و مذهبی بودن را یک منبع حمایتی برای خانواده می‌دانند (والش<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳). والش تاب‌آوری خانواده را به‌عنوان توانایی ایستادگی و تحمل و به حال اول برگشتن در مواجهه با چالش‌های از هم پاشنده زندگی تعریف می‌کند. والش و پریس<sup>۹</sup>، (۲۰۰۳) در مورد نقشی که تاب‌آوری خانواده در سلامتی کارکرد خانواده،

1. Mahoney, A.

2. sanctification

3. spiritual

4. significance

5. religious beliefs

6. religious activities

7. resilience

8. Walsh, F.

9. Pryce, J.

ایفا می‌کند مطالب زیادی نوشته‌اند (والش، ۱۹۹۸، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۳؛ والش و پریس، ۲۰۰۳).

والش، (۲۰۰۳) سه فرایند کلیدی را برای تاب‌آوری خانواده توصیف می‌کند که عبارتند از: سیستم‌های باور، الگوهای سازماندهی و حل مسأله در روابط. از نظر والش، (۲۰۰۳) این فرایندها راهی برای فائق آمدن خانواده در برابر پیشامدهای دشوار است. والش در رابطه با نقش ویژه مذهب و معنویت از عنوان کلی سیستم‌های باور صحبت به میان می‌آورد. از نظر والش (۱۹۹۸) مذهبی بودن، معنویت یا ایمان<sup>۱</sup> در متن رابطه مراقبت از کودک شکل می‌گیرد. ایمان به افراد اجازه می‌دهد تا ارتباط با بشر را تجربه کنند و این «به زندگی‌های ما معنا می‌بخشد». هنگامی که اعضای خانواده در خطرند، وجود نوعی احساس رابطه و پیوستگی و دستیابی به معانی عالی در زندگی، باعث می‌شود همه کارکردهای خانواده بهبود پیدا کرده و تاب‌آوری آنان پرورش یابد. مکانیزمی که این فرایندها را راه‌اندازی می‌کند، بیشتر بر ادراک خانواده از موقعیت‌های دشوار تأثیر می‌گذارد و این شرایط را به عنوان شرایطی قابل حل و یا قابل فرانگری ترسیم می‌کند.

با وجود اینکه نظریه‌ها و مطالعات اولیه به‌جای بررسی اثرات مذهب و معنویت بر روابط ویژه فرزند-والدین، فقط اثرات ایمان یا معنویت را بر عملکرد کلی خانواده (به‌طور مثال سازگاری) بررسی کردند؛ اما این نکته مهم را نیز نشان می‌دهند که معنویت اثرات مثبتی بر روابط فرزند-والدین دارد. به هر حال برای فرایندی که مذهبی بودن والدین منجر به فرزندپروری بهتر می‌شود توصیف جامعی وجود ندارد و در مورد رابطه مذهبی بودن والدین و فرزندپروری مؤثر (دقیق و همه‌جانبه) مطالعات کمی انجام شده است (اسنایدر و همکاران، ۲۰۰۴). درحد بررسی‌های پژوهشگر در زمینه مقایسه سبک‌های فرزندپروری والدین مذهبی و غیرمذهبی با در نظر گرفتن دو بعد باورهای مذهبی و عمل به آن، پژوهش اختصاصی و معتبری صورت نگرفته است؛ پژوهش‌های داخلی نیز بسیار انگشت شمار بوده و به بررسی رابطه بین متغیرها بسنده کرده و دچار اشکال‌هایی چون موارد ذیل هستند: استفاده از ابزار نامعتبر در تحقیق سوری، (۱۳۷۶) و به‌کار بردن ابزار ناهماهنگ با نمونه مورد بررسی در پژوهش کریمی، (۱۳۸۰) و پرداختن به موضوع مورد بحث ما در مطالعات مذکور صرفاً به‌صورت نتایج جانبی تحقیق؛ بدون بررسی پیشینه و بدون پرداختن به دو بعد مذکور بوده است.

علاوه بر این، نتایج گزارش شده در دو تحقیق موجود در ایران هم سو نبوده‌اند. از سوی دیگر، با توجه به نقش مهم فرهنگ در فرزندپروری (هیل<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵؛ داوری<sup>۳</sup>، ۱۹۹۷؛ مارکوس<sup>۴</sup>، کیتایاما<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸؛ پاناجیوتوپولو<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲؛ به نقل از داوری و منشار<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵) و در نظر گرفتن فرهنگ مذهبی کشور ما، در مورد نمونه مذکور مطالعه‌ای که به بررسی مؤلفه‌های ذکر شده در فرهنگ ایرانی بپردازد انجام

1. faith

2. Hill, N. E.

3. Dwary, M.

4. Markus, H. R.

5. Kitayama, S.

6. Panagiotopoulou, P.

7. Menshar, K. E.